روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه | ۲۷ فروردین ۱۴۰۴ | ۱۷ شوال ۱۴۴۶ | ۱۶ آوریل ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۲۹۳ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰ تومان

۱۱۹۰ سال و ۲۲۶ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4293 | WED.APR.16, 2025 | ISSN:2008-2886

مروری بر زوایای «وعده صادق ۱» به مناسبت نخستین سالگرد این عملیات

شلیک ترس به قلب صهیونیسم

صفحه ۲

نماینده ترامپ در مذاکرات هسته‌ای اذعان کرد آمریکا غنی‌سازی در ایران را پذیرفته است

کدهای واضح ویتکاف

صفحه ۷

رهبر انقلاب در دیدار مسؤولان ارشد ۳ قوه درباره نوع نگرش به مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا در عمان تأکید کردند

نه خوش‌بینی افراطی نه بدبینی افراطی

مسائل کشور نباید به این گفت‌وگوها گره زده شود و اشتباهی که در برجام انجام شد نباید تکرار شود

صفحه ۲

عکس: Khamenei.ir

چرا به توان خودمان خوش‌بین هستیم

یادداشت روز

مهرداد احمدی

در فضای هولناک جنگ غزه، جایی که رژیم صهیونیستی با حمایت بی‌پرده غرب، بویژه ایالات متحده، در حال ارتکاب بی‌سابقه‌ترین جنایات علیه غیرنظامیان است، تحلیل مناسبات قدرت دیگر در قالب‌های کلاسیک و خوش‌بینانه نمی‌گنجد. نسل‌کشی، بمباران اردوگاه‌ها، حذف فیزیکی رهبران مقاومت، از جمله ترور ناجوانمردانه چهره‌هایی چون شهید سیدحسن نصرالله و فرماندهان کلیدی جبهه مقاومت، نقطه عطفی در منازعه چند دهه‌ای میان جبهه مستضعفان و نظم آمریکایی - صهیونیستی به شمار می‌آید. با این حال، آنچه بیش از هر چیز تأمل‌برانگیز است، نه خشونت بی‌مهار اسرائیل که رفتار دوگانه و پرتناقض دولت آمریکا پس از انتخاب مجدد ترامپ است؛ رئیس‌جمهوری که یک بار دیگر با شعار «قدرت بی‌رحمانه» به کاخ سفید بازگشته و در عین حال، کانال‌های محرمانه برای مذاکره با جمهوری اسلامی ایران را فعال کرده است.

مذاکره در قاموس سیاست واقع‌گرا، امری منفصل از میدان جنگ نیست، بلکه ادامه آن در عرصه‌ای پیچیده‌تر و مستلزم مهارت‌های عمیق‌تر است. هر گامی در مسیر مذاکره، بازتاب مستقیمی از وضعیت توازن قوا در میدان است. از این منظر، تصمیم دولت ترامپ برای ارسال پیام‌های مستقیم و غیرمستقیم به تهران در بحبوحه یک جنگ خونین و پس از ترور مهم‌ترین چهره کاریزماتیک مقاومت در لبنان، معنایی فراتر از تاکتیک دارد؛ این تصمیم حاکی از آن است که آمریکا نه تنها قادر به حذف ایران از معادلات منطقه نیست، بلکه ناگزیر به پذیرفتن نقش آن در آینده غرب آسیاست. حتی برخی کشورهای منطقه که پیش از این به دنبال جنگ علیه ایران بودند، اکنون خواستار توافق آمریکا با ایران و پرهیز از جنگ علیه ایران شده‌اند. این وضعیت، به روشنی منطق رئالیسم سیاسی را تأیید می‌کند. در این نگاه، رفتار بازیگران نه بر مبنای حسن‌نیت و آرمان‌گرایی، که بر اساس محاسبه منافع، توازن قوا و میزان آسیب‌پذیری متقابل تعریف می‌شود. ایران با وجود فشارهای اقتصادی فزاینده، تحریم‌های چندلایه و حملات رسانه‌ای گسترده، همچنان توانسته عناصر کلیدی قدرت ملی خود را حفظ و حتی بازتولید کند. اقتدار راهبردی تهران، دیگر صرفا متکی بر توان نظامی یا نفوذ منطقه‌ای نیست؛ بلکه بر پایه نوعی درک پیچیده از منطق بقا، پیوستگی جغرافیای مقاومت و قدرت نرم برخاسته از شهادت‌محوری و هویت مستقل شکل گرفته است. این سرمایه استراتژیک، چیزی نیست که با ترور رهبران یا بمباران شهرها قابل حذف باشد.

از منظر منافع ملی جمهوری اسلامی، درک دقیق لحظه تاریخی حاضر اهمیت حیاتی دارد. ترامپ بازگشته، دیگر رئیس‌جمهوری نیست که تازه وارد صحنه سیاست شده باشد. او اکنون با تجربه، جسارت و تیمی متحدتر از قبل وارد میدان شده و آشکارا اعلام کرده قصد دارد «ایران را به عقب‌نشینی وادارد» اما در پشت این لحن تهاجمی، نوعی اضطرار ژئوپلیتیک پنهان است؛ آمریکا دریافته بدون گفت‌وگو با ایران، هیچ معادله پایداری در خاورمیانه ممکن نیست؛ نه در زمینه انرژی، نه امنیت و نه در مدیریت بحران‌های فرامرزی چون جنگ غزه.

از همین رو، نفس باز شدن مسیرهای مذاکره، حتی پس از اقداماتی چون ترور شهید سیدحسن نصرالله یا کشتارهای جمعی در رفح و خان‌یونس، نشان می‌دهد گفتمان غالب در کاخ سفید، به‌رغم همه نعره‌های جنگ‌طلبانه، مبتنی بر پذیرش قدرت ایران است، نه نفی آن. ایران نیز در این بازی، نیازمند نوعی خویشتنداری هوشمندانه است. ما باید به یاد داشته باشیم در منطق قدرت، مذاکره نه نشانه ضعف، بلکه ابزاری برای تعمیق موقعیت است اما این زمانی ممکن است که پشت مذاکره، واقعیتی از قدرت محسوس باشد. شهادت رهبران مقاومت، اگرچه ضایعه‌ای سنگین است اما در منظومه مقاومت، این شهادت‌ها نه پایان راه، که آغاز دورانی نوین از مشروعیت و خیزش اجتماعی است. تداوم انتفاضه در کرانه باختری، رشد نفوذ گروه‌های مقاومت در منطقه و قدرت روایت ایران در افکار عمومی جهانی، همگی سرمایه‌هایی‌اند که در میز مذاکره تبدیل به امتیاز می‌شوند، نه هزینه. از منظر راهبردی، ایران امروز در موقعیتی ایستاده که باید میان «مذاکره متکی بر قدرت» و «تسلیم در پوشش گفت‌وگو» تفاوت قائل شود. اگر غرب گمان می‌برد با ترور رهبران مقاومت می‌تواند چتر مذاکرات را بر سر ایران بیفکند تا با امتیازدهی تدریجی، مقاومت را از درون خلع سلاح کند، سخت در اشتباه است. ایران اگر بخواهد نقش تاریخی خود را حفظ کند، باید بر اصول خود ایستادگی کرده و در عین حال، با بهره‌گیری از هر فرصت دیپلماتیک، بار هزینه‌های اقتصادی - اجتماعی فشار غرب را بکاهد. در این مسیر، آنچه حیاتی است، حفظ پیوند میان میدان و دیپلماسی است.

ادامه در صفحه ۸

نگاهی به رهنمودهای رهبر انقلاب درباره واقعی‌سازی اهمیت مذاکرات هسته‌ای با آمریکا

روایت‌سازی از یک راهبرد

یادداشت

امیرعباس نوری

رهنمودهای روز گذشته رهبر انقلاب، مختصات راهبرد ایران در سیاست‌گذاری مسائل داخلی و خارجی، خاصه مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکا بود. عدم تکرار اشتباه برجام، گره نزدن مسائل کشور به مذاکرات، شرطی نکردن مسائل کشور، پیگیری جدی سیاست دیپلماسی متوازن در حوزه سیاست خارجی یعنی ایجاد تعادل در مناسبات و تعریف منافع مشترک میان ایران و همسایگان بویژه کشورهای قدرتمند حوزه شرق و همین‌طور ادراک‌سازی درباره بی‌ارتباط بودن زمینه‌های صنعتی، اقتصادی، سازندگی، فرهنگی و اجرای پروژه‌های بزرگ به مذاکرات عمان، در واقع اشاراتی است که مختصات این راهبرد را تشکیل می‌دهد. این راهبرد یعنی در عمل، ایران معطل مذاکرات و توافق احتمالی نشده است و مذاکرات را به عنوان یکی از اقدامات موجود برای بسامان کردن وضعیت اقتصادی‌اش دنبال می‌کند. به همین خاطر هر نوع افراط در نوع نگاه به این مذاکرات، اعم از خوش‌بینی و بدبینی، خلاف منافع است. در این میان یک نکته بسیار مهم و ظریف وجود دارد و تاثیر روانی و روایی این راهبرد ایران در حوزه روایت و رسانه و ادراک‌سازی عمومی نسبت به مذاکرات هسته‌ای است، یعنی این راهبرد ایران می‌تواند در ادراک‌سازی هم در افکار عمومی داخلی و هم بیرونی، موثر باشد. ضمن اینکه باید در نظر داشت این راهبرد باید دارای یک پیوست رسانه‌ای دقیق نیز باشد. آنچه رهبر انقلاب تشریح کردند، به صورت خلاصه این است: ایران معطل مذاکرات نیست. همین پیام اگر به صورت دقیق به عنوان مغز روایتگری رسانه‌ها در ایران قرار بگیرد، ۲ فایده مهم در بر خواهد داشت:

۱- واقع‌نگری نسبت به موضوع مذاکرات در افکار عمومی داخلی

۲- ذهنیت‌سازی طرف مقابل درباره نگرش ایران به مذاکرات

برجام نه تنها در عمل و در حوزه فنی یک درس عبرت بزرگ برای مردم ایران بود، بلکه در حوزه روانی و روایی که دولت اسبق درباره مذاکرات و توافق هسته‌ای ایجاد کرد نیز واجد شرایط عبرت‌آموزی است. اکنون با گذشت نزدیک ۱۰ سال از توافق برجام، افکار عمومی به این باور رسیده‌اند که یکی از دلایل شکست آن توافق، تصویری بود که از ایران ایجاد شده بود. دولت وقت در ایران تقریبا همه شئون زندگی ایرانیان را به این توافق گره زد. از آب خوردن و ازدواج تا شکوفایی اقتصاد را به این توافق مشروط کرد. همین رفتار باعث شد هم همه مسائل کشور به این توافق گره بخورد و هم اینکه یک تصویر نیازمند و درمانده از دولت ایران در ذهنیت آمریکایی‌ها ایجاد شود. نهایتا ترامپ نیز بر اساس همین ذهنیت از برجام خارج و هزینه‌های بسیاری بر ایران تحمیل شد. همان‌گونه که نگرش ایجادشده در ایران نسبت به توافق بزرگنمایی شده بود و با واقعیت نسبتی نداشت، با خروج آمریکا از برجام نیز واکنش بازار یک واکنش هیجانی و غیرمنطقی بود. یکی دیگر از تبعات این نوع نگاه خوش‌بینانه افراط‌گونه به مذاکرات که روز گذشته رهبر انقلاب به آن نیز اشاره کردند، نبود امنیت سرمایه‌گذاری است. وقتی اقتصاد یک کشور به یک مذاکره گره می‌خورد، ریسک سرمایه‌گذاری در کشور بالا خواهد رفت. بنابراین تجربه برجام باعث شده اکنون یک روایت متفاوت و واقعی از مذاکرات ارائه دهیم: مذاکرات یکی از ده‌ها اقدام و وظیفه وزارت امور خارجه و همین‌طور یکی از چندین راهبرد ایران برای بهبود وضعیت اقتصاد است؛ نه بیشتر و نه کمتر. در حوزه خارجی نیز قطعا اگر طرف آمریکایی بداند ایران نسبت به مذاکرات نگاه خوش‌بینانه مفرط ندارد و این مذاکرات را یک اقدام در کنار دیگر اقدامات و سیاست‌های خود برای بهبود وضعیت اقتصاد می‌داند، نمی‌تواند از تحریم به عنوان یک ابزار فشار بر ایران برای گرفتن امتیازات بیشتر استفاده کند. یعنی طرف آمریکایی متوجه می‌شود در صورت شکست مذاکرات، دنیا برای ایران به آخر نمی‌رسد.

■ وظیفه رسانه در این شرایط چیست؟

به نظر می‌رسد مهم‌ترین وظیفه رسانه، برجسته‌سازی همین راهبرد و اقدامات انجام‌شده در قالب این راهبرد است. در واقع رسانه باید اندازه اهمیت مذاکرات هسته‌ای با آمریکا را در پوشش و اولویت‌دهی اخبار رعایت کند. نه باید بزرگنمایی شود و نه باید نسبت به آن بی‌اعتنا بود. در حوزه سیاست خارجی باید راهبرد دیپلماسی متوازن را برجسته و معتبر کرد. بهبود مناسبات با همسایگان، ایجاد ائتلاف‌های راهبردی با شرق و همین‌طور پیگیری جدی دیپلماسی کریدورها باید در رسانه‌ها به صورت پرحجم پوشش داده شود؛ در حوزه داخلی نیز همین‌طور.

در واقع رسانه باید یک اندازه متعارف و واقعی برای اهمیت و اولویت مذاکرات هسته‌ای در نظر گرفته و آن را تبلیغ و ترویج کند. یک نکته که رهبر انقلاب در سخنان روز گذشته‌شان به آن اشاره کردند این بود که ایشان در عین حال که همه را از خوش‌بینی و بدبینی مفرط نسبت به این مذاکرات برحذر داشتند اما بر یک موضوع با صراحت تاکید کردند و آن این است که ایران به طرف مقابل یعنی طرف آمریکایی بدبین است. این بدبینی نسبت به طرف آمریکایی، یک واقعیت رایج و جاری در افکار عمومی مردم ایران است. بنابراین اشاره جدی و دقیق به همین بدبینی و دلایل آن می‌تواند در واقعی‌سازی افکار و ذهنیت عمومی نسبت به مذاکرات موثر باشد. البته باید یک واقعیت را هم در نظر داشت و آن هم عدم بدبینی مفرط به مذاکرات است. رهبر انقلاب در سخنان روز گذشته‌شان تصریح کردند این مذاکرات «تصمیم کشور» است. یعنی همه ارکان نظام در مجموع به این برآورد رسیده‌اند که وارد این مذاکرات شویم. یعنی اگرچه ایران نسبت به طرف مقابل بدبین است اما حتما این مذاکرات به عنوان یک فرصت تلقی شده است. به هر حال رفتار طرف آمریکایی در ماه‌های اخیر رفتار ثابتی نبوده است و دست کم آنها درباره مبنای مذاکرات مطالبی را گفته‌اند که ایران به این نتیجه رسیده این مذاکرات را انجام دهد و با توجه به برگزاری غیرمستقیم مذاکرات، در واقع ایران در حال تست زدن اراده و صداقت طرف مقابل است، بنابراین این نیز یک تجربه است؛ ممکن است به نتیجه منجر شود و ممکن است نشود. بر همین اساس نه باید به صورت مفرط خوش‌بین بود و نه به صورت مفرط بدبین. نقطه مقابل افراطی‌گری، واقع‌نگری است. در مقابل کسانی که از برجام عبرت نگرفتند و تجربه نیاموخته‌اند و همچنان نسبت به آمریکا خوش‌بین هستند، عده‌ای افراد و جریانات دلسوز هم هستند که با توجه به سابقه رفتار آمریکا نسبت به ایران، به این کشور و مقامات آن بدبین هستند. این بدبینی نیز کاملا درست و منطقی است اما باید در نظر داشت سیاست، عرصه تغییرات و استفاده از فرصت‌هاست. آمریکایی‌ها در ظاهر نشان داده‌اند نسبت به آنچه در قبل از ایران مطالبه کرده بودند، عقب‌نشینی کرده‌اند. ایران نیز این عقب‌نشینی را به عنوان یک فرصت تلقی کرده و دارد آن را آزمایش می‌کند. نکته آخر اینکه نه‌تنها در موضوع مذاکرات هسته‌ای، بلکه در سایر موضوعات اگر قرار باشد یک روایت اثرگذار ایجاد شود باید در وهله اول واقعی باشد؛ یعنی مبتنی بر واقعیات. رسانه حلقه آخر روایت‌سازی است و سیاست‌گذاری شروع روایت‌سازی. همیشه روایت واقعیت، اثرگذار خواهد بود.

رفتار آمریکا تغییر کرده است؟

دیدگاه

مهدی افراز

فصل جدید مذاکرات هسته‌ای، به محملی برای ظهور تغییراتی در رفتار استکباری آمریکا تبدیل شده است. در ظاهر تحولات اینگونه وانمود می‌شود که هیات آمریکایی در حال دور زدن اسرائیل است، ترامپ برخلاف خواست اولیه‌اش سیاق گفت‌وگو را به شیوه غیرمستقیم پذیرفته، به درخواست ایران از رفیق راهبردی خود برای وساطت دست کشیده، استانداردهای ایران برای عدم فعالیت رسانه‌ای حین مذاکره را رعایت می‌کند، ادبیات و مناسبات برابر را مراعات می‌کند، مفاد گفت‌وگوها هیچ مدخلیتی به موضوعات موشکی و منطقه‌ای ندارد و... . این رفتارسنجی و مقایسه آن با فصول قبلی مذاکرات، حکایت از وضعیتی دارد که آمریکای ترامپ را راغب به حصول یک توافق فوری ولو با قبول پیش‌شرط‌ها و خط قرمزهای ایران نشان می‌دهد. حال طبیعی است با پرسشی مواجه باشیم: آیا این تغییر رفتار واقعی است و حاکی از تغییر رویه در مناسبات آمریکا با جمهوری اسلامی است؟ اگر چنین باشد، ضروری است عاقله انقلابی در رویکردهای بدبینانه و مأیوسانه نسبت به رفع خصومت‌ها از طریق گفت‌وگو تجدیدنظر داشته باشد و پیش‌بینی‌های خود منبعث از تجربیات گذشته را رها کرده و مبتنی بر واقعیات امروز، از دست رفتن این فرصت تاریخی را تماشاگر نباشد. برای راستی‌آزمایی این تغییر، مناسب است سناریوهای احتمالی که برای فهم اراده آمریکا وجود دارد مرور شود.

■ سناریوی اول؛ امتیاز در رقابت داخلی

ترامپ پس از ناکامی‌های متوالی در تحقق وعده‌هایش به لحاظ داخلی در وضعیتی است که شدیدا به دستاوردی نیاز دارد تا پیش از انتخابات کنگره در برابر جریان رسمی قدرت و لایه عمیق حکمرانی آمریکایی دست برتر را داشته باشد، لذا تمام ملاحظات گذشته و پروتکل‌های تعاملی خود با ایران را رها کرده و صرفا برای حصول یک پیروزی سیاسی تلاش می‌کند. بر این اساس تغییر رفتار آمریکا موضعی بوده و در پی توافق احتمالی خبری از گشایش‌های اقتصادی برای ایران نخواهد بود.

■ سناریوی دوم؛ دست خالی ترامپ

هژمونی منطقه‌ای آمریکا در دوره جدید افول محسوسی داشته و تعمیق اختلافات با اتحادیه اروپا و تمایل کشورهای حاشیه خلیج‌فارس به حصول توافق موجب شده است تیم ترامپ برگ‌های زیادی برای فشار و بازی در برابر ایران در اختیار نداشته باشد. تحریم‌ها کارکرد سابق خود را از دست داده و برخلاف همه فشارها و تنبیه‌ها در ماه‌های اخیر عدد فروش نفت ایران تغییر محسوسی نداشته است. همه این شرایط موجب شده آمریکا در موقعیتی نباشد که بتواند از موضع استیلا وارد مذاکرات شود، لذا حاضر است ضمن جدی گرفتن روند توافق، در برابر شروط ایران متواضع باشد.

■ سناریوی سوم؛ اولویت چین

مساله اصلی ترامپ احیای قطبیت آمریکا در جهان، جبران کسری تجاری و منازعه خشن اقتصادی، تکنولوژیک و ژئوپلیتیک با چین است و به همین جهت او به دنبال آرام کردن وضعیت تنش در خاورمیانه است تا با تجمیع ظرفیت‌های خود بر نزاع اصلی خود متمرکز شود. ایران در دوره کنونی آمریکا از اولویت سیاسی برخوردار نیست. همه تنش‌های سابق مابین ایران و آمریکا به صورت حل نشده صرفا برای مدتی فریز خواهد شد.

ادامه در صفحه ۷

کمک بزرگ رهبر انقلاب به تیم مذاکره‌کننده

نگاه

رها عبداللهی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیروز در دیدار جمعی از مسؤولان ارشد ۳ قوه درباره مذاکرات عمان توصیه‌هایی فرمودند که می‌توان گفت بهترین کمک به دولت پزشکیان و تیم مذاکره‌کننده است. خلاصه‌ای از توصیه‌های ایشان بدین شرح است:

«گفت‌وگوها یکی از ده‌ها کار وزارت امور خارجه است.

مسائل کشور را به گفت‌وگوها گره نزنید.

کشور کارهای خودش را بکند؛ در صنعت، کشاورزی، خدماتی، فرهنگی، سازندگی... اینها هیچ ربطی به گفت‌وگوهای عمان ندارد.

شرطی کردن کشور به مذاکرات، سرمایه‌گذاران را منصرف می‌کند. به گفت‌وگوها نه خوش‌بین افراطی باشید، نه بدبین افراطی.

گفت‌وگوها ممکن است به نتیجه برسد، ممکن است نرسد.

به طرف مقابل بدبینیم، به توانایی‌های خودمان خوشبینیم»

این توصیه‌ها شاه‌کلید موفقیت مذاکرات یا آسیب ندیدن کشور در صورت بدعهدی طرف آمریکایی است. دلایل این مدعا را در ۵ بند توضیح می‌دهم:

۱- توصیه به برجسته نکردن مذاکره با آمریکا از بین باقی ماموریت‌های وزارت امور خارجه می‌تواند راهی برای تقویت تیم مذاکره‌کننده باشد. ویتکاف همزمان با مذاکره با ایران، در حال پیگیری پرونده روسیه، اوکراین، غزه، عادی‌سازی اعراب و اسرائیل و... است. برجسته شدن غیرعادی مشغولیت وزارت امور خارجه ایران به مذاکره با آمریکا برای تیم ایرانی سر میز مذاکره یک نقطه ضعف خواهد بود. طی هفته گذشته فعالیت دیگری جز مسائل مرتبط با مذاکرات از وزارت امور خارجه رسانه‌ای نشده و این پیام خوبی ندارد. خوب است همین امروز دستگاه دیپلماسی این توصیه رهبری را جامه عمل بپوشاند.

۲- توصیه دوم، گره نزدن کارهای کشور به مذاکرات است. کشور مسائل متفاوتی دارد که برای هر کدام وظایفی بر دوش دستگاه‌های مختلف است و این وظایف غالبا هیچ ارتباطی با تحریم‌ها یا چگونگی روابط ما با آمریکا ندارد. مسائل کشور متوقف بر مذاکره نیست که ما مجبور باشیم به هر قیمتی به توافق برسیم. رساندن این پیام که همه کارهای کشور را وابسته به مذاکره کرده‌ایم، چماق تهدید آمریکایی‌ها را - که جزو ثابت میز مذاکره‌شان است - روی سرمان نگه می‌دارد و تأمین منافع ایران را در توافق سخت می‌کند.

ادامه در صفحه ۶